



دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته: مشاوره مدرسه

موضوع:

بررسی رابطه سبکهای فرزند پروری ادراک شده با عزت نفس و اهمالکاری

استاد راهنما:

دکتر پرویز شریفی درآمدی

استاد مشاور:

دکتر ابوالفضل کرمی

استاد داور:

دکتر برجعلی

پژوهشگر:

مینا بقائیان

شهریور ۱۳۹۰

صلى الله عليه وسلم

تقدیر و تشکر:

باسپاس از زحمات استاد دکتر تقدیر جناب آقای دکتر پرویز شیرینی در آمدمی استاد راهنما که با راهنمایی های ارزشمند خود مرا در به پایان رساندن این پژوهش یاری نمودند.

با تشکر از جناب آقای دکتر ابوالفضل کریمی استاد مشاور که با مشاوره های بی دریغ خود بر غنای این پژوهش افزودند.

و با قدردانی از جناب آقای دکتر بر جلی که زحمات داور می این اثر را با انگیزایی بر عهده گرفتند و در این راه با توصیه های علمی مراد است کردند.

تقدیم:

تقدیم به دیدگان پرفروغ مهربان پدرم، معلم و مشوق و راهنمای زندگی و تحصیلم که چشم به راه موفقیت و سعادت من است.

و به وجود سبز مادرم که تمام موفقیت‌م را در یون دستان خدا کار و دلسوزی‌هایش به‌ستم.

و به نیمه‌زندگی ام، همراه و همسرم

و به توای آشنا که ورق‌های از آن رامی‌کشی

چکیده:

هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده با عزت نفس و اهمال کاری دانش آموزان است. بدین منظور نمونه ای ۲۰۰ نفری از دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۲ شهر تهران به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش شامل پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ)، مقیاس سهل انگاری تاکمن (TPS) و پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ است. روش اجرا بدین صورت بود که از بین مناطق مختلف شهر تهران یک منطقه به تصادف انتخاب و از بین دبیرستان های آن منطقه ۴ دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شدند و در هر دبیرستان یک کلاس به تصادف انتخاب و پس از هماهنگی های لازم پرسشنامه ها توزیع، اجرا و جمع آوری شد. در نهایت از ۲۰۰ نفر گروه نمونه، داده های مربوط به ۱۷۰ نفر آزمودنی به منظور تحلیل وارد نرم افزار SPSS شدند. داده های به دست آمده با روش رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد و نتایج نشان داد که سبک فرزند پروری مستبدانه و عزت نفس می تواند به طور معناداری اهمالکاری را پیش بینی کند. دو سبک فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه رابطه معناداری با اهمالکاری نداشتند.

واژگان کلیدی: سبک های فرزند پروری ادراک شده، عزت نفس، اهمالکاری

فهرست مطالب

تقدیر و تشکر

تقدیم

چکیده

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه ۲

بیان مسأله..... ۶

اهمیت و ضرورت تحقیق ۸

اهداف تحقیق ۹

فرضیه های تحقیق ۹

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی ۱۰

فصل دوم: ادبیات پژوهش

بخش اول:

مبانی نظری پژوهش:

تاریخچه سبک های فرزند پروری ۱۳

دیدگاههای نظری درباره سبک های فرزند پروری ۱۳

- شیوه مستبدانه ۱۴
- ویژگی های والدین با سبک فرزند پروری مستبدانه ۱۴
- شیوه آسان گیر (سهل انگارانه) ۱۵
- ویژگی های والدین با سبک فرزند پروری سهل انگارانه ۱۵
- سبک های رفتاری مقتدرانه ۱۶
- ویژگی های والدین به سبک فرزند پروری مقتدرانه ۱۷
- چه چیزی فرزند پروری مقتدرانه را بسیار کارآمد می کند؟ ۱۷
- نظریه آدلر ۱۸
- الگوی شفر ۲۱
- سبک فرزند پروری و عزت نفس ۲۲

بخش دوم:

- مبانی نظری اهمالکاری ۲۲
- تاریخچه اهمالکاری ۲۲
- تعاریف اهمالکاری ۲۳
- علائم اهمالکاری ۲۴
- شیوع اهمالکاری ۲۶
- انواع اهمالکاری ۲۹
- اهمالکاری و سایر متغیرها ۳۴

بخش سوم:

- عزت نفس، تعریف و اهمیت آن ۳۶
- عزت نفس در طول تحول ۴۱
- کودکی ۴۲
- نوجوانی ۴۲
- بزرگسالی ۴۲
- پیری ۴۳

بخش چهارم:

- مروری بر تحقیقات انجام شده در خارج و داخل کشور ۴۳
- تحقیقات انجام شده در داخل کشور ۴۳
- تحقیقات انجام شده در خارج از کشور ۴۴

فصل سوم: روش اجرای پژوهش

- مقدمه ۵۰
- طرح تحقیق ۵۰
- جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری ۵۰
- ابزارهای پژوهش ۵۱
- پرسشنامه سهل انگاری تا کمن ۵۱
- پرسشنامه اقتدار والدین ۵۳

پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ ۵۴

روش اجرای پژوهش ۵۵

روش های آماری در تجزیه و تحلیل داده ها ۵۵

فصل چهارم: یافته های پژوهش

مقدمه ۵۷

توصیف نمونه ۵۷

آماره های توصیفی ۵۷

پیش فرض های تحلیل رگرسیون چند گانه ۵۹

همخطی چند گانه بین متغیرها ۵۹

وجود روابط خطی بین متغیرها ۵۹

نرمال بودن توزیع پس ماندها ۵۹

عدم همبستگی پس ماندها ۶۱

یافته های استنباطی ۶۲

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

مقدمه ۶۵

فرضیه اصلی: سبک فرزند پروری و عزت نفس اهمالکاری را پیش بینی می کند ۶۵

فرضیه های فرعی

فرضیه ۱- سبک فرزند پروری ادراک شده مستبدانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد ۶۶

فرضیه ۲- سبک فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد ۶۷

- فرضیه ۳- سبک فرزندپروری ادراک شده سهل گیرانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد ۶۷
- فرضیه ۴- سبک فرزند پروری با عزت نفس رابطه معنادار دارد ۶۸
- فرضیه ۵- عزت نفس با اهمالکاری رابطه معنادار دارد ۷۰
- محدودیت های پژوهش ۷۱
- پیشنادهای پژوهش ۷۲
- پیشنادهای کاربردی ۷۲
- پیشنادهای پژوهشی ۷۲
- منابع فارسی ۷۴
- منابع لاتین ۷۶
- ضمائم و پیوست ها ۸۳
- نمودار هیستوگرام سبک سهل گیرانه ۸۴
- نمودار هیستوگرام سبک مقتدرانه ۸۴
- نمودار هیستوگرام سبک مستبدانه ۸۵
- نمودار هیستوگرام اهمالکاری ۸۵
- نمودار هیستوگرام عزت نفس ۸۶

فصل اول:
کلیات تحقیق

مقدمه:

اهمالکاری^۱ به معنی مشکل داشتن در زمینه شروع یا تمام کردن کارهاست یا به زبانی ساده تر می توانیم بگوییم که اهمالکاری به معنی کار امروز را به فردا انداختن است. فرد اهمالکار دائماً شروع کار را به آینده محول می کند ولی این آینده معلوم نیست کی می آید. در واقع اهمالکاری غاصب زمان است و باعث می شود فرد عمدتاً انجام کارها را به تاخیر بیندازد و زمان را از دست بدهد (زائریان، ۱۳۸۶).

رفتار اهمالکاری که به عنوان به تاخیر انداختن مسئولیت هایی که فرد می بایستی انجام دهد شناخته می شود، ابعاد بسیار متفاوتی دارد. هر فردی در انجام برخی مسئولیت ها و وظایف در زندگی اهمالکاری می کند. برخی در پرداخت ها و قرار ملاقات هایشان تاخیر می کنند در حالی که برخی دیگر در انجام کارهای خانه، تکالیف درسی یا آماده شدن برای امتحان. این چنین رفتارهای اهمالکارانه بر افراد تاثیراتی می گذارد مانند بی قراری شبانه، سطوح بالای استرس، افسوس و پشیمانی، اضطراب ناگهانی، گوشه گیری و عقب نشینی به علت کمبود وقت یا انجام ناقص کارها. بعد از آن افراد به خودشان قول می دهند که کارهایشان را تا آخرین دقیقه به تاخیر نیندازند اما این کار دوباره اتفاق می افتد (کاگان^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

اهمالکاری تحصیلی به تاخیر انداختن وظایف تحصیلی است که ذاتاً انجام آن بسیار مهم است. پیامد اهمالکاری تحصیلی این است که دانش آموزان نمی توانند از عملکرد واقعی شان در فرایند یادگیری استفاده کنند و بنابراین شکست می خورند (کاگان و همکاران، ۲۰۱۰).

^۱ procrastination

^۲ kagan, M

الیس^۱ در مورد اهمالکاری این سؤال را مطرح می‌سازد، "چه تعداد از تحصیل کرده‌ها و افراد شاغل، به اهمالکاری عادت دارند و کارهای خود را از امروز به فردا می‌سپارند؟" الیس اشاره می‌کند حدس ما این است که ۹۵٪ افراد به این بیماری مبتلا هستند (الیس و جیمزنا؛ ترجمه فرجاد، ۱۳۸۶).

مفهوم اهمالکاری اگرچه تاریخچه طولانی دارد فقط از ۲۰-۱۵ سال اخیر به صورت جزیی در مطالعات علمی وارد شده است (میلگرام، ۱۹۹۸ به نقل از کاگان، ۲۰۱۰).

بررسی مطالعات علمی راجع به اهمالکاری نشان داد که تعداد مطالعات مربوط به اهمالکاری تحصیلی بسیار بیشتر از آن در ارتباط با زمینه‌های دیگر اهمالکاری است. سولومون و راتبلوم^۲ (۱۹۸۴)، تمایل به اهمالکاری تحصیلی را مانند انجام تکالیف خانه، آمادگی برای امتحان یا اصطلاح "کاغذ در آخرین دقیقه" بیان کردند.

فراری^۳ به اهمالکاری بد کنش اشاره می‌کند. او معتقد است عزت نفس ضعیف، وابستگی میان فردی و رفتارهای خود شکن از ویژگی‌های بد کنش است. او اهمالکاری بد کنش را به دو نوع تقسیم می‌کند: ۱- اهمالکاری رفتاری ۲- اهمالکاری تصمیمی. اهمالکاری رفتاری به اهمالکارانی اشاره می‌کند که تکالیف را به تاخیر می‌اندازند برای اینکه از عزت نفس آسیب پذیر خود محافظت کنند. اهمالکاری تصمیمی به اهمالکارانی اشاره می‌کند که تصمیم‌گیری را به منظور اجتناب از اختلاف و تعارض به تاخیر می‌اندازند. اهمالکاری رفتاری مستقیمی با پیشرفت تحصیلی دارد (فراری، ۱۹۹۴).

فراری اشاره می‌کند بزرگسالان اهمالکار توسط والدینی تربیت شده‌اند که معیار ارزشمندی را بر پیشرفت قرار داده‌اند. به خاطر همین نکته بزرگسالان اهمالکار میزان ارزش خود را از طریق میزان موفقیت هایشان محاسبه می‌کنند، همین عامل سبب می‌شود ترس شدید از شکست داشته باشند و ترس از شکست نیز از شرایط پیشایند اهمالکاری است. عزت نفس (ادراک خود ارزشمندی) به عنوان یک عملکرد مرتبط

^۱ Ellis, A

^۲ Solomon & Rothblum

^۳ Ferrari, J.R

با اهمالکاری رفتاری قلمداد شده و یک پیش بینی کننده مهم اهمالکاری تلقی می شود. فراری اهمالکاری رفتاری را به عنوان یک الگوی رفتاری خود شکن قلمداد می کند (فراری، ۱۹۹۴).

طبق مطالعات انجام شده با موضوع تمایل به به اهمالکاری دلایلی فهرست شده مانند: مهارت های مدیریت وقت کم، اعتقاد به خود کارآمدی، ناراحتی راجع به وظایف، خصوصیات فردی (مسئولیت پذیری، کمال گرایی و تمایلات نوروتیک و) تفکر غیر منطقی، ناتوانی در تمرکز، ترس از شکست، ناتوانی در هدایت به سمت موفقیت، عزت نفس پایین، اضطراب، منبع کنترل بیرونی، مهارت حل مسئله، انتظارات غیر واقعی و کار کردن از روی عادت (الکساندر ۲۰۰۷، فراری و دیگران ۲۰۰۷، هاول و واتسون ۲۰۰۷، پفیستر ۲۰۰۲، سنکال و دیگران ۲۰۰۳، واتسون ۲۰۰۱).

از عزت نفس^۱ تعاریف متعددی به عمل آمده: در فرهنگ لغات وبستر (۱۹۶۸) از عزت نفس به عنوان اعتماد و رضایت در خویشتن و نظر مثبت فرد درباره خود یاد شده است (به نقل از کیخانی نشریه اسوه سال سوم شماره ۹). آبراهام مازلو، از عزت نفس به عنوان یک نیاز یاد کرده و می گوید: همه افراد جامعه ما (غیر از برخی از بیماران) به یک ارزشمندی ثابت و استوار و معمولاً عالی از خودشان، به احترام به خود یا عزت نفس تمایل یا نیاز دارند. کوپر اسمیت می گوید: عزت نفس به قضاوت شخص پیرامون ارزش خویشتن اطلاق می گردد.

در مورد عزت نفس نظریات متعددی ارائه شده است و اغلب بر این باورند که عزت نفس از ویژگی های دیرپای شخصیت است (بیابانگرد، ۱۳۷۰ به نقل از کیخانی).

برنار، ولز، پترسون (۱۹۸۹) یادآوری می کنند که عزت نفس بالا به افراد کمک می کند تا نسبت به موقعیت های تهدید آمیز رویکردی واقعی داشته باشند. به یادگیری کمک می کند و در ادراک مردم از خودشان برای حل مسایل دشوار نقش بسزایی دارد. به بیان گارفیلد (۱۹۸۶) "ثابت شده است که عزت نفس و بهداشت روانی به هم مرتبط هستند" (به نقل از اسلامی نسب، سال ندارد).

^۱ self esteem

الیس معتقد است؛ یکی از علل اساسی اهمالکاری احساس خود کم بینی است. افراد اغلب بدین جهت مرتکب اهمالکاری می شوند که تصور می کنند توانایی انجام آن کار را ندارند و در برابر وظیفه ای که برعهده گرفته اند، ضعیف و زبون هستند یا توانایی انجام آن را دارند، اما نه در حد انتظار و مطلوب (الیس، ترجمه فرجاد، ۱۳۸۶).

شیوه فرزند پروری^۱ یکی از سازه های جهانی است (دارلینگ و استنبرگ ۱۹۹۳) که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می آید (بامریند ۱۹۹۱ به نقل از یوسفی ۱۳۸۶).

بامریند^۲ (۱۹۹۱) به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط حاکم بین والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل گیر و مستبد.

والدین قاطع^۳ به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده اند در عین حال که بر آنچه که کودکانشان انجام می دهند کنترل دارند. آنها برای خواسته هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند. این والدین تلاش دارند که به فرزندان خود گوشزد نمایند که رفتار آنها چه تاثیری بر دیگران می گذارد. والدین سهل گیر^۴ به صورت والدینی توصیف شده اند که سعی دارند برای کودکان خود، محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، خواسته های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه که آنها انجام می دهند کنترل و نظارت ندارند. این والدین به فرزندان خود آزادی بیش از حد می دهند و خطای آنها را نادیده می گیرند. والدین مستبد^۵ فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند، انتظار دارند که فرزندان، خواسته ها و تقاضاهای آنها را بدون بحث و بی چون و چرا

^۱ parenting style

^۲ Baumrind, D

^۳ authoritative

^۴ permissive

^۵ authoritarian

برآورده کنند. در این خانواده ها به فرزندان اجازه ابراز عقیده داده نمی شود و فرصت کمی برای تفکر درباره موقعیت ها یا به کارگیری استدلال وجود دارد (بامریند، ۱۹۹۱).

نتایج پژوهش ها به طور کلی نشان می دهد که سبک فرزند پروری با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی (استنبرگ، ۱۹۸۹)؛ عملکرد روانی اجتماعی (لامبورن، ۱۹۹۱)؛ خودپنداره (پاریش، ۱۹۹۳)؛ عزت نفس (لا، ۱۹۹۲)؛ خود کارآمدی (دایک، ۲۰۰۰)؛ استعمال مواد مخدر (بویز، ۱۹۹۳)؛ اخلاقیات (کیم، ۲۰۰۳)؛ شایستگی اجتماعی (استنبرگ، ۱۹۹۰)؛ یادگیری خود نظم داده شده (هانگ، ۲۰۰۴)؛ استدلال اخلاقی (واکر، ۱۹۹۹) ارتباط دارد (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۶).

در این راستا باید گفت کودکان دارای والدین قاطع دارای سطوح بالایی از شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خود ادراکی هستند (بامریند، ۱۹۹۱؛ لامبورن، ۱۹۹۱؛ کوپر اسمیت، ۱۹۶۷). فرزندان والدین سهل گیر، از پیشرفت تحصیلی ضعیف، بزهکاری زیاد و عملکرد روان شناختی پایین برخوردارند (بامریند، ۱۹۹۱؛ لامبورن، ۱۹۹۱) و سرانجام اینکه، اگرچه کودکان دارای والدین مستبد، کودکانی مطیع و تابع، دارای سطوح پایینی از بدر رفتاری در مدرسه و استعمال مواد مخدر هستند (لاندرویل، ۱۹۸۱؛ لامبورن، ۱۹۹۱)، اما دارای پیشرفت تحصیلی پایین، خود ادراکی ضعیف و سطوح بالای اختلالات روانی و جسمی هستند (استنبرگ، ۱۹۹۴ به نقل از یوسفی، ۱۳۸۶).

بیان مسأله:

از نظر روان شناسی، "اهمالکاری" یعنی به آینده محول کردن کاری که تصمیم به اجرای آن گرفته ایم (الیس؛ ترجمه فرجاد، ۱۳۸۶). در تعریف دیگر به عنوان تمایل غیر منطقی برای به تأخیر انداختن یا اجتناب کردن از امور و تکالیفی که باید تکمیل شوند تعریف می گردد (فلت، بلانکستین، هویت و کولدین ۱۹۹۲). اهمالکاری دارای پیامدهای منفی زیادی از قبیل استرس بالا و کاهش سلامتی است.

به نظر می رسد که اهمالکاری یکی از واقعیات بی چون و چرای زندگی است که بین اقشار و مشاغل مختلف و در بین تمام جوامع وجود دارد و شاید در بین افراد جامعه ما بیشتر باشد ولی به این دلیل که در این زمینه پژوهشی در جامعه ما صورت نگرفته، لذا نمی توانیم مستند صحبت کنیم. با وجود این،

مفهوم اهمالکاری چهل سال است که موضوع داغ روان شناسی است ولی خیلی در جامعه ما مطرح نشده است (زائریان ۱۳۸۶).

الیس و ناس ۱۹۷۷، ناس ۲۰۰۰ (به نقل از اسنیدر ۲۰۰۱) گزارش کرده اند که حدود ۷۰ الی ۹۰ درصد از دانشجویان کالج در غرب دچار اهمالکاری تحصیلی هستند. فراری (۱۹۹۵) اشاره کرد تفاوت معناداری بین کشورها از نظر میزان شیوع اهمالکاری وجود ندارد. وی اشاره می کند اهمالکاری در بین حدود ۷۰ درصد از دانشجویان کالج برای تکالیف خاص تحصیلی رایج است.

سازمان جهانی کار، متوسط کار مفید را در ایران روزانه حدود نیم ساعت برآورد کرد که سالانه به ۱۵ روز می رسد (در حالی که متوسط کار مفید روزانه در کره جنوبی ۵/۵ ساعت است) و نشان دهنده پایین بودن بهره وری است (زائریان، ۱۳۸۶).

در میان افراد اهمالکار خصوصیات شخصیتی مانند مسئولیت پذیری، برون گرایی، کمال گرایی و وسواس وجود دارد. با این حال مطالعه ای در مورد اینکه چگونه این صفات شخصیتی به طور کلی اهمالکاری تحصیلی را توجیه می کنند وجود ندارد (کاگان و همکاران، ۲۰۱۰).

جیکوب^۱ اهمالکاری را به عنوان مشکل در زمینه مدیریت زمان تعریف می کند. ایشان اشاره می کند که اهمالکاری می تواند سبب ایجاد اضطراب، ترس از موفقیت و افسردگی گردد. اهمالکاری مزمن تبدیل به افسردگی می شود اهمالکاری مزمن دچار روحیه افسرده و مضطرب نیز می باشد (جیکوب، به نقل از فراری و دیازمورالز ۲۰۰۶).

هامر و فراری (۲۰۰۲-۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان "بروز متمایز سهل انگاری بین کارکنان سفید پوست و کارکنان دارای پوست رنگی" اشاره نمود اگرچه کارکنان سفید پوست سطوح بالاتری از آموزش را نسبت به کارکنان دارای پوست رنگی دریافت نموده بودند، اما میزان اهمالکاری در بین

^۱ - Jakubows, K.I

کارکنان سفید پوست نسبت به کارکنان دارای پوست رنگی بیشتر بود. همچنین نتایج نشان داد که کارکنان متخصص اهمالکاری بیشتری نسبت به کارکنان غیر ماهر گزارش کردند (به نقل از زائریان، ۱۳۸۶).

با توجه به شیوع بیش از حد اهمالکاری که در پیش اشاره گردید در جوامع و در بین تمام اقشار اعم از شاغل و محصل و غیر شاغل و تأثیرات مخربی که این موضوع می تواند بر افراد و جامعه داشته باشد و از سوی دیگر به این دلیل که اولین و مهمترین مرکز تربیت کودک خانواده است و شخصیت و عزت نفس افراد تحت تأثیر سبک های تربیتی والدین شکل می گیرد و به لحاظ ضعف در تبیین و دانش کافی در زمینه اهمالکاری و رابطه آن با سبک های فرزند پروری، گسترش این حیطه از دانش بشری بیش از پیش اهمیت دارد. در جامعه ما در مورد این مسأله تحقیق زیادی صورت نگرفته از این رو مسأله اصلی در این تحقیق عبارت است از تعیین رابطه بین سبک های فرزند پروری ادراک شده با عزت نفس و اهمالکاری.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

با توجه به رشد فزاینده علم و پیشرفت در جوامع انسانی و اهمیت زمان و استفاده بهینه از آن در کاربرد منابع انسانی این نیاز در جامعه ما نیز احساس می شود و از طرف دیگر شیوع بیش از پیش اهمالکاری در بین اقشار مختلف در جامعه اعم از شاغلان و غیر شاغلان و محصلان، باعث شده این نگرانی به وجود آید که این روند به چه می انجامد.

روند رو به رشد این بیماری یعنی اهمالکاری و تأثیرات مخرب آن در زندگی انسانها باعث شده تا افراد به خصوص دانش آموزان، که امروزه پتانسیل جامعه محسوب می شوند، در انجام تکالیف درسی و تحصیلی خود کوتاهی کنند و پیامد این اهمالکاری این است که این قشر سرنوشت ساز جامعه از تمام توانایی خود استفاده نکنند و در نتیجه نیروی کارآمدی که می توانست مفید واقع شود و صرف رشد و پیشرفت جامعه شود به هدر رود.

از سوی دیگر شخصیت و منش افراد و عادت های رفتاری آنها تحت تأثیر شیوه های فرزند پروری والدین قرار دارد. از این رو والدین نیز می توانند در این زمینه نقش بسزایی داشته باشند. اگر

مشخص شود که نقش والدین در این زمینه چیست می توان با آموزش های صحیح به والدین در رابطه با شیوه های فرزند پروری به آنها کمک کرد که کودکانی تربیت کنند که در آینده با مشکلاتی از این قبیل مواجه نباشند و بتوانند با به کارگیری تمام استعداد و توان خود در هر زمینه مستعد به آنچه که می توانند تبدیل شوند و از پتانسیل هایشان به نفع خود و جامعه استفاده کنند.

اهداف تحقیق:

هدف کلی:

تعیین رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده بر عزت نفس و اهمالکاری

اهداف جزئی:

- ۱- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده مستبدانه با اهمالکاری
- ۲- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه با اهمالکاری
- ۳- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده سهل گیرانه با اهمالکاری
- ۴- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده مستبدانه با عزت نفس
- ۵- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه با عزت نفس
- ۶- تعیین رابطه سبک فرزند پروری ادراک شده سهل گیرانه با عزت نفس

فرضیه های تحقیق

با توجه به تحقیقات و اهداف فوق الذکر در تحقیق حاضر، فرضیه های زیر قابل تدوین می باشد.

فرضیه ی اصلی:

- ۱- سبک های فرزند پروری و عزت نفس اهمالکاری را پیش بینی می کند.

فرضیه های فرعی:

- ۱- سبک فرزند پروری ادراک شده مستبدانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد.

- ۲- سبک فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد.
- ۳- سبک فرزند پروری ادراک شده سهل گیرانه با اهمالکاری رابطه معنادار دارد.
- ۴- سبک فرزند پروری با عزت نفس رابطه معنادار دارد.
- ۵- عزت نفس با اهمالکاری رابطه معنادار دارد.

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

۱- سبک فرزند پروری ادراک شده

الف) تعریف نظری:

مجموعه ای از نگرش ها برای فرزندان است که توسط رفتارهای والدین به آنها فهمانده می شود و به آنها ابلاغ می شود این نگرش ها با فرزندان باقی می ماند و در خانواده جوی عاطفی ایجاد می کند (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳ به نقل از وایت، ۲۰۰۹ به نقل از خباز، ۱۳۸۹)

ب) تعریف عملی:

نمره ای که آزمودنی از پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ^۱) به دست می آورد.

۲- اهمالکاری

الف) تعریف نظری:

اصطلاح اهمالکاری برابر است با "به تأخیر انداختن کارها تا آخرین دقیقه" یا "با عجله انجام دادن کاری در مدت کم" یا "به تعویق انداختن" (کاگان و همکاران ۲۰۱۰).

ب) تعریف عملی:

نمره ای که آزمودنی از مقیاس سهل انگاری تا کمین (TPS^۱) به دست می آورد.

^۱ Parental Authority Questionnaire